



نسم معنوی این کتاب را  
تقدیم میکنم به:  
  
روح لطیف دختر مامک  
و  
همه‌ی کودکان سرزینم



مهری قهقرخی، مصوصه، ۱۳۵۴ -  
گنبد خورشید / تالیف مصوصه مهری قهقرخی تصویرگر اشرف کلامی دهکردی  
تهران، علیون، ۱۳۹۸ -  
۲۸ ص: تصویر (زنگی)،  
۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۶۱-۴-۴  
فیبا  
گروه سنتی: ب، ج.  
این کتاب قلاً توسط بنیاد فرهنگی هنری امام رضا(ع) ۱۳۹۵ چاپ گردیده است.  
علی بن موسی(ع) امام ششم، ۹۱۵-۹۱۳ق. - شعر  
شعر مذهبی  
کلامی دهکردی، اشرف، تصویرگر  
جشنواره ملی تولید کتاب رضوی، دیرخانه  
قاله ۱۱۹۵، ۰۱ گ ۱۸۸۶  
۴۳۱۴۹۸۱

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآورنده  
مشخصات ناشر  
مشخصات ظاهري  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
یادداشت  
موضوع  
موضوع  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
ردیه بنای دیوبی  
شماره کتابشناسی ملی

گنبد خورشید  
تالیف: مصوصه مهری قهقرخی  
تصویرگر: اشرف کلامی دهکردی  
ویراستار: کامیار محبوبیان  
ناشر: انتشارات علیون  
نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۸  
شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه  
قطع: خشتی  
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال  
۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۶۱-۴-۴  
دیرخانه جشنواره تولید کتاب رضوی برای کودک و نوجوان - شهرکرد  
اعضاي ديرخانه:  
جواد کارگران - نورالله بني مهدى - شهرام فرجي - زينب فهامي  
شاناي ناشر تهران - بهاد کتابخانه هاي عمومي کشور

دیمن شناسار کتابخانه رضوی  
[www.samakpl.ir](http://www.samakpl.ir)

## فهرست

جشن تولد---۲

نذر-----۴

خادم پیر -----۶

یک حس شاعرانه---۸

فواره‌ی خوشبخت---۱۰

یک ساک پروانه---۱۲

شفا-----۱۵

قادسک درباد---۱۶

فرش حرم---۱۸

هواپیما-----۲۰

نقاشی-----۲۳



## جشن تولد

در گوشه‌ی رواقی \*  
با مادرم نشستم  
یک دانه نقل کوچک  
افتاد توی دستم

سُرخورد مثل ماهی  
آن دانه نقل رنگی  
خوشحال شد که می دید  
جشنی به این قشنگی

بوی گل و گلاب و  
اسپند و شربت و عود  
امشب امام هشتم  
جشن تولدش بود

فدر

باز هم مثل قدیم  
پیخته مادر، شله زرد  
خواهرم در کوچه مان  
کاسه هارا پخش کرد

می دهد یک کاسه او  
بر در هر خانه ای  
می نشید بر سرمش  
ناگهان بروانه ای

حتماً آن بروانه هم  
زائر صحن شماست  
چون که نقش دارچین  
(یا علی موسی الرضاست)

یاعلی حومی الرضا





شادمانی در دلم  
چون کبوتر شد رها  
خوش به حال او که بود  
خدام صحن رضا(ع)

آسمان در چشم او  
نقش باران می کشد  
از نگاهش قطره‌ی  
مهربانی می چکید

### خدم پیر

پیر بود و بر لیشن  
غنجه‌های خنده داشت  
کفش هایم را گرفت  
توی جا کفشه گذاشت

یک حس شاعرانه

بیچیده توی گوشم  
بانگ نقاره خانه  
دارم دوباره امشب  
یک حس شاعرانه

بیچیده توی صحنخات  
بوی گلاب و اسپند  
جاری است روی گبد  
عطر خوش خداوند

صحن حرم چه زیاست!  
رنگ خدا گرفته  
از تو کسی دوباره  
امشب شفا گرفته



## فوواره‌ی خوشبخت

مانند یک گنجشک  
وقتی ره‌امی شد  
احساس خوبی داشت  
هر بار پا می‌شد

می‌رفت و می‌آمد  
می‌خورد پیچ و تاب  
توی دلش، شادی  
چون قند می‌شد آب

مثل تمام ما  
در لحظه‌های سخت  
دل خوش به آقا بود  
فوواره‌ی خوشبخت



## یک ساک پروانه

با با که مشهد بود  
برگشته است امشب  
داریم از خنده  
صد غنچه روی لب

امشب به من بابا  
یک آسمان داده  
چون هست سوغاتم  
تسبيح و سجادة

او با خود آورده  
یک ساک، پروانه  
سوغاتی و شادی  
پخش است در خانه



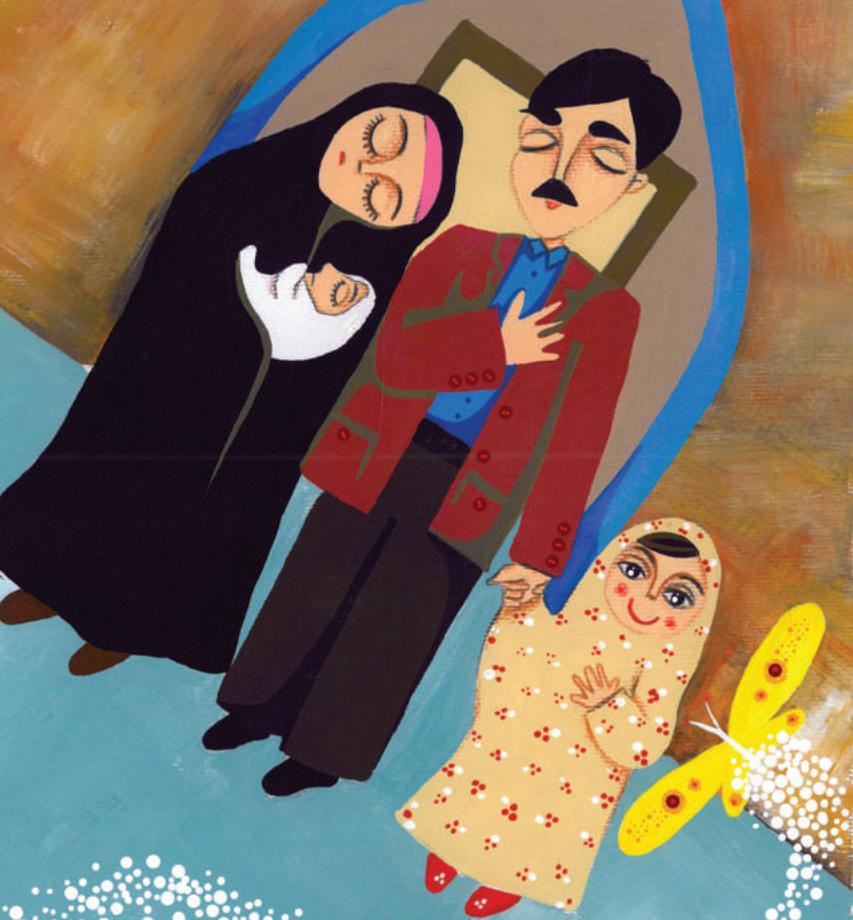


## شِفَّا

روز و شب تب می کند  
خواهرم حالش بد است  
کوچک است و در دلش  
آرزوی مشهد است

می برد ما را پدر  
باز پابوس امام  
بعض دارد مادرم  
می دهد بابا، سلام

پیش تو آورده ایم  
خواهرم را، یا رضا(ع)  
ای امام خوب من!  
می دهی او را شِفَّا؟



قاصدکی در باد

امروز نمازم را  
خواندم به جماعت باز  
مانند کبوترها  
پُر شد دلم از پرواز

جاری شده روح من  
چون قاصدکی در باد  
مشغول دعا هستم  
در مسجد گوهرشاد

در مسجد زیارت  
یک قطره‌ی بارانم  
پُر می شود از دریا  
هنگام دعا ، جانم



## فرش حرم

مثل موجی، فرش ها  
پهنه شد توی حرم  
می نششم با وضو  
در کنار مادرم

باز هنگام نماز  
صحن، دریا می شود  
در نگاه روشنم  
آسمان جا می شود

مثل ماهی می شوم  
باز در موجش رها  
آفتابی از حرم  
می زند من را صدا





با این که آن پرنده  
یک قلب آهنی داشت  
اما شبیه من بود  
یک حس دیدنی داشت

در چشم آسمان بود  
گبند، شبیه خورشید  
قلب طلائی آن  
از دور می درخشید

### هواپیما

بر بال یک کبوتر  
رفتم به سوی مشهد  
چرخی زدیم با هم  
آهسته روی گبند

نقاشی

می کشم در دفترم  
شکل سقاخانه را  
دور آن هم می کشم  
دسته ای پروانه را

می کشم مثل بهشت  
صحن زیبای تو را  
مادرم پای ضریح  
هست در حال دعا

مثل ماهی غرق شوق  
توی حوض کاشی ام  
می شود این بار بیست  
نمراهی نقاشی ام

